

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹

صص ۱۵۱-۱۲۱

تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون

مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی

مصطفی قادری حاجت* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

عرفان عبدی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

زهرا جلیلی پروانه - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

ناصر باقری سرنجیانه - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۱۸

چکیده

از عمده‌ترین مسائل فراروی کشورهای در حال توسعه، دستیابی به توسعه پایدار، امنیت فراگیر و عدالت اجتماعی می‌باشد. با یک بررسی اجمالی می‌توان به جایگاه ضعیف مناطق مرزی و حاشیه‌ای در مقایسه با مناطق مرکزی کشور در فرآیند توسعه ملی و منطقه‌ای پی برد. از دلایل این امر می‌توان انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب‌های صنعتی - اقتصادی و توسعه نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برشمرد. وجود این گونه مسائل در مناطق مرزی باعث شده تا کشورها در قالب بازارچه‌های مرزی که از شناخته شده‌ترین روش‌های توسعه اقتصادی نواحی مرزی به‌شمار می‌رود، قدم در راه مبارزه با مسائل متنوع ناشی از عقب‌افتادگی در نواحی مذکور بگذارند.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و میدانی سعی در بررسی و تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون خود بویژه در استان خراسان جنوبی را دارد. فرض اصلی این مقاله این است که: بازارچه‌ها پتانسیل بالایی در افزایش امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون خود را دارند. یافته‌های تحقیق بیانگر این مطلب است که بازارچه‌های مورد نظر تا حدود زیادی توانسته‌اند در توسعه نواحی پیرامون خود تأثیر مثبت بگذارند که این امر بستر لازم را برای افزایش امنیت در ابعاد مختلف فراهم آورده است. لازم به ذکر است که بازارچه‌ها در بعضی از شاخصه‌ها مانند بهبود وضعیت تحصیلی و ارتقاء سطح علمی ساکنان مناطق دارای کارکرد منفی بوده است که نکته‌ای

قابل تأمل بوده و ما را متوجه این نکته می‌سازد که توسعه مقوله‌ای فراتر از پیشرفت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: امنیت، توسعه پایدار، بازارچه مرزی، خراسان جنوبی.

۱- مقدمه

این مسئله امروزه روشن و بدیهی است که دستیابی به توسعه در کشور نیازمند برنامه‌ریزی است. چرا که توسعه بدون برنامه منجر به توسعه نامتوازن بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و همچنین تشدید عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه آسیب‌پذیری و تضعیف وحدت ملی می‌شود. اگر فعالیتی بدون توجه به ضوابط آمایشی و اصول برنامه‌ریزی شکل بگیرد محکوم به شکست خواهد بود. امروزه افزایش بی‌رویه جمعیت با توجه به ضعف امنیت و نگهداشت جمعیت (تثبیت جمعیت) در مناطق مرزی، افق بسیار پیچیده‌ای برای آینده نواحی حاشیه‌ای پدید آورده است. در آینده کشوری موفق خواهد بود که بتواند مشکلات جمعیتی خود را به حداقل برساند و با استفاده از راهکارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بتواند جمعیت را به ماندن در نواحی مرزی و محل تولدشان علاقه‌مند نماید، از طرفی نواحی مرزی بواسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه‌نیافتگی و ... تفاوت‌های فاحش از نظر برخورداری از رفاه و توسعه در مقایسه با مراکز عمده جمعیتی را دارند، که این تفاوت‌های منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز می‌شود (رضایی، ۱۳۸۰: ۱۷). شکل‌گیری رابطه مرکز پیرامون در داخل کشور، شرایط جدیدی را رقم می‌زند که این شرایط جدید مرکز را وادار به تجدیدنظر در روابط خود با پیرامون می‌سازد این رابطه نوین بین مرکز و پیرامون کاملاً با شرایط قبل متفاوت است و منجر به ایجاد همگرایی بین آنها می‌شود که در صورت توفیق، نگاه جمعیت مرزنشین به سمت درون و همگرایی معطوف می‌شود، که خود باعث توسعه فضایی مناطق مرزی خواهد شد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۵). این رغبت و علاقه وافر به مناطقی که در امتداد مرزهای همگرایی کشورها قرار گرفته‌اند به‌طور مشخصی از این تصور نشأت گرفته که این مناطق جغرافیایی ویژه، ممکن است موجب ایجاد سازگاری و ذهمسانی اقتصادی در همگرایی بین کشورها گردند (Niebuhr, 2004: VI). بدین معنی که در مرزهای اکثر کشورهای درحال توسعه سطح قابل‌توجهی از نیاز مردم مرزنشین از طریق مبادلات مرزی

تأمین می‌شود. این‌گونه مبادلات علی‌رغم غیررسمی و محلی بودن آن دارای نقش پراهمیتی در مبادلات میان کشورهای همسایه بوده و باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شود. از این‌رو برنامه‌ای کردن چنین مبادلات و جریان‌هایی در نوع خود به توسعه همکاری‌های متقابل اقتصادی، گسترش بازارهای مرزی محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت در این مناطق و بهبود زیرساختها و خدمات مورد نیاز منطقه را به‌همراه می‌آورد (مراتب، ۱۳۸۴: ۲). در مجموع، اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشد (Chandoevrit, 2004: 145). یکی از این برنامه‌ها پویا کردن اقتصاد نواحی مرزی است که به‌عنوان یک شاخص اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز بهبود امرار معاش مردم مرزنشین به‌شمار می‌رود بدین معنی که از این طریق مردم ساکن در نواحی مرزی کشورهای همسایه می‌توانند در کنار هم و باهم از فرصت‌ها و منابع مشترک استفاده نمایند و این امر می‌تواند منجر به دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی و توسعه، ایجاد فرصت‌های شغلی و شکل‌گیری یک نوع مزیت نسبی در مناطق مرزی گردد (Chandoevrit, 2004: 145). علی‌رغم این ظرفیت‌ها در مناطق مرزی، باید گفت که دوری از مرکز این مناطق که عموماً مسأله‌ای جغرافیایی است و بیشتر از ساختار مناطق مرزی ناشی می‌شود به‌لحاظ اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای و برنامه‌های غیرآمایشی پی‌آمدهای نامطلوبی را برای این مناطق به‌همراه داشته که مهمترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق از کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور که به‌معنای دوری از مراکز تصمیم‌گیری سیاسی کشور است، باعث می‌شود این مناطق به‌دلیل دوری از مرکز و هم به‌دلیل کاستی در قابلیت‌های جمعیتی و صنعتی کمتر در جریان آثار مثبت برنامه‌های توسعه داخلی قرارگیرند، لذا این مناطق از محرومیت شدیدی رنج می‌برند و این مسأله سبب محرومیت شدید و در حاشیه قرار گرفتن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج آمایشی توسعه کشور می‌گردد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۲). مطالعات نشان می‌دهد در برخی مناطق مرزنشین از گذشته به‌لحاظ همگنی‌های اکولوژیکی، خصوصیات اجتماعی و قرابت‌های قومی با مردم مرزنشین آنسوی مرزها، از یک سو

و نبود یک راهبرد آمایشی در برنامه‌های توسعه ملی از سوی دیگر پیوسته انگیزه‌ساز بسیاری از تحرکات غیررسمی و مبادلات ناخواسته، جابجایی و انتقال جمعیت به صورت کوچ‌های دسته‌جمعی به شهرهای بزرگ بوده است. اثرات منفی این جریانات بر پیکر امور اقتصادی - بازرگانی کشور، آشفتگی و ناامنی ساختاری و عدم ثبات جمعیت در مناطق مرز نشین است. وجود چنین تفاوتها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه مناطق مرزی بر جای گذاشته است. در این مقاله سعی بر این است که اثرات توسعه‌ای و امنیتی بازارچه‌های مرزی بر روی مناطق پیرامون بویژه در خراسان جنوبی تبیین گردد و کاستی‌های احتمالی نیز در جهت بهبود شرایط در آینده نیز ذکر گردد.

۲- روش تحقیق

این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و یافته‌های میدانی در پی تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه و امنیت نواحی پیرامون خود بویژه در استان خراسان جنوبی می‌باشد. همچنین با توجه به نیاز به عملیات میدانی تعداد ۵۰ پرسشنامه طراحی و در بین دو سطح از کارگزاران رسمی دولتی شاغل در بازارچه‌ها و سرپرست‌های خانوارهای منطقه توزیع گردید.

۳- ادبیات نظری تحقیق

۳-۱- توسعه

امروزه توسعه همپای زندگی بهتر تلقی می‌شود و جوامع نسبت به گذشته از آن بیشتر منتفع می‌گردند. توسعه همان رشد اقتصادی نیست (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۳۲)؛ زیرا توسعه جریان چندبعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد (ازکیا، ۱۳۷۰: ۱۸). توسعه گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر می‌باشد و عبارت است از تغییر، تحوّل و پیشرفت (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۴۱).
واژه توسعه به‌رغم گستردگی کاربرد در زبان روزمره، به هیچ‌وجه مفهومی واضح نیست.

به‌همین جهت توسعه‌هنگامی معنایی در دسترسی دارد که آن را در حیطه‌ای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطرح کنیم. بر این اساس، توسعه، در معنای کلی، به تحول در چهار زیرمجموعه اشاره دارد که عبارتند از:

- توسعه اجتماعی؛

- توسعه اقتصادی؛

- توسعه سیاسی؛

- توسعه فرهنگی (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۸).

این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده نگرش سیستمی به مقوله توسعه است. در این تحلیل جامعه، نظامی از روابط متقابل میان زیرسیستم‌هایی است که کارکردهایی ویژه را در کلیت سیستم انجام می‌دهند و امکان تداوم حیات جامعه را فراهم می‌آورند.

توسعه معمولاً به چهار زیرمجموعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شاخصه‌بندی می‌شود که عبارتند از:

۱- توسعه اجتماعی: توسعه در کلی‌ترین شکل آن، از تکثیر و تقارب نقش‌های کارکردی جامعه سرچشمه می‌گیرد (اپتر و اندرلین، ۱۳۸۰: ۱۹). گذر از نظم سنتی به نظم مدرن، مبین تقسیم کار اجتماعی فزاینده، انفکاک و پیچیدگی ساختاری جامعه است که حاصل آن، برآمدن صورت‌بندی اجتماعی مبتنی بر طبقات مشخص و صف‌بندی‌های منطقی است (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۴۲).

ابعاد توسعه اجتماعی عبارتند از:

- سطح شهرنشینی؛

- سطح کاربرد فناوری در زندگی روزمره؛

- سطح وضوح صورت‌بندی اجتماعی؛

- نوع و شکل جرایم و طلاق‌ها؛

- سطح تعامل با دنیای بیرون؛

- ترکیب طبقات؛

- سطح تعامل اجتماعی؛

- نوع گروه‌بندی‌های اجتماعی؛

- استقلال طبقات از دولت؛
- انواع جدید خانواده و اشکال دموکراتیک تر آن؛
- سطح مصرف و جستجوی کیفیت زندگی؛
- تنوع حیات اجتماعی؛
- عدالت اجتماعی و دسترسی به فرصت‌های برابر (استس، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۶).
- ۲- توسعه اقتصادی: امروزه منظور از اقتصاد توسعه‌یافته، شکلی از نظام اقتصادی است که شاخص‌های زیر را داشته باشد: نقش‌آفرینی در مناسبات جهانی و دارا بودن سهمی قابل توجه از بازارها، تولید صنعتی و کشاورزی انبوه، انباشت و صدور سرمایه.
- شاخص‌های دیگر توسعه اقتصادی عبارتند از:
 - سطح بهره‌وری سرمایه‌های کشور؛
 - سطح اشتغال مفید و کارآمد؛
 - سطح تولید صنعتی؛
 - درصد جمعیت شاغل به‌کار در صنعت؛
 - کیفیت زندگی شهروندان بر حسب استانداردهایی چون احساس امنیت، امید به آینده، خودشکوفایی، نرخ مرگ‌ومیر و زادوولد؛
 - میزان فقر و محرومیت؛
 - بنیادهای قشربندی؛
 - میزان و شدت احساس محرومیت؛
 - سطح توانمندی شهروندان (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۲).
- ۳- توسعه سیاسی: سخن گفتن درباره توسعه سیاسی بسیار مشکل است، چون توسعه سیاسی سطوح گوناگونی دارد که گاه متناقض می‌نمایند. ولی به هر حال، سطح اول توسعه سیاسی در دنیای مدرن، شکل‌گیری یک حکومت ملتی^۱ است.
- سطح دوم توسعه سیاسی بر حسب «افزایش کارایی حکومت در بسیج منابع انسانی و مادی

در راستای اهداف ملی» تعریف می‌شود. در این مرحله، حکومت می‌تواند با گسترش دو بازوی خود - یعنی بوروکراسی سراسری و ارتش - اقتدار خود را در سراسر کشور گسترش دهد و منابع کشور را بر اساس اهداف ملی بسیج کند و در خدمت ارتقاء جایگاه کشور در نظام بین‌الملل قرار دهد.

سطح سوم و نهایی توسعه سیاسی بر حسب میزان مشارکت عمومی در سیاست تعریف می‌شود. سطح سوم توسعه سیاسی با شاخص‌هایی چون توسعه روابط مبتنی بر شهروندی، تحکیم حقوق فردی و گروهی، توانمندی جامعه مدنی در مقابل دولت، وجود نظام چند حزبی، سیاست رقابتی و ثبات سیاسی به‌عنوان شاخص‌های توسعه سیاسی سنجیده می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵).

۴- توسعه فرهنگی: توسعه فرهنگی در کلی‌ترین شکل، به معنای گذر از ایستایی فرهنگی به سوی پویایی است که طی آن حجم و محتوای تولیدات فرهنگی روبه رشد می‌گذارد و مرزهای شناخت یک جمع رشد پیدا می‌کند.

ابعاد توسعه فرهنگی عبارتند از:

- گذار از فرهنگ انقیاد به فرهنگ مشارکتی؛
- گذار از نگرش محدود محلی‌اندیش سنتی به نگرش جهانی‌اندیش؛
- گذار از تعلقات فرومی و قبیله‌ای به تعلق خاطر ملی؛
- مرجعیت‌یابی علم و عقلانیت در زندگی بشری؛
- اهمیت‌یابی آموزش و مهارت و تکنیک در زندگی انسانی؛
- دسترسی هرچه بیشتر به کالای فرهنگی.

از دهه ۱۹۶۰ به بعد تغییرات اساسی در نحوه نگرش به مفهوم توسعه و شاخص‌های آن به ظهور رسید و مفاهیمی مانند کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی و... که نفوذ و تأثیر آنها همچنان رو به گسترش است رواج یافت (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵). نگرش تک‌بعدی به توسعه که علی‌رغم دستیابی به نرخ‌های رشد اقتصادی بالا، شکاف‌های اساسی در جوامع بشری بوجود آورده بود، باعث شد در مفهوم توسعه تجدید نظر صورت گرفته و توسعه به‌عنوان یک مفهوم چند بُعدی مدنظر قرار گیرد. در چنین نگرشی، حمایت‌های محیطی با هدف رفاه جمعی و زندگی شرافتمندانه که توأم با آزادی و تصمیم‌گیری برای آینده محیط

زندگی است، با معیارهایی چون امنیت ملی، کامیابی اقتصادی و عدالت اجتماعی و مکانی مورد توجه قرار گرفت، توسعه علاوه بر ازدیاد کمی ثروت جامعه از تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت می‌کند (ازکیا، ۱۳۷۸: ۶). در واقع توسعه فرایندی جامع از فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدفش بهبود مداوم زندگی تمامی جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع عادلانه منافع از ارکان اساسی آن به‌شمار می‌آید (پرداز می‌مقدم، ۱۳۸۴: ۱۳).

۳-۲- توسعه پایدار

امروز تلقی ما از مفهوم توسعه، فرآیندی همه‌جانبه است (نه فقط توسعه اقتصادی) که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه (به‌عنوان لازم و ملزوم) است. لذا این تغییر و تحول برای انسان و بخاطر انسان است؛ توسعه خود هدف نیست، بلکه ابزاری است تا انسان را متناسب با مکانی که در آن زیست می‌کند به جایگاه و موقعیت شایسته برساند (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲-۱۴۱). هدف از توسعه ایجاد زندگی پر ثمره‌ای است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود (حمیدیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۳). بدین مبنا توسعه پایدار با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود کیفیت زندگی، به‌عنوان قالب مناسب برای نگرش به‌نحوه بهره‌برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان و طبیعت محسوب می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۶). به سخن دیگر «توسعه پایدار بویژه بعد انسانی آن، توسعه‌ای است که نه تنها رشد اقتصادی ایجاد می‌کند بلکه منافع آن را هم عادلانه توزیع می‌کند؛ به‌جای تخریب محیط زیست آن را باسازی می‌کند؛ به‌جای در حاشیه قراردادن مردم به آنها قدرت می‌دهد (تیلر، آید و ای، تیلر، ۱۳۷۸: ۲). توسعه پایدار فرآیندی است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه را در هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاست‌ها، انجام اقدام‌های لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می‌کند و در هر جایی که تلفیق امکان ندارد به ایجاد رابطه مبادله بین آنها و بررسی و هماهنگی این مبادله‌ها می‌پردازد (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

۳-۳- امنیت

امنیت یک مفهوم چند وجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴). واژه امنیت به‌عنوان یک مفهوم عام تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده می‌باشد. همه موجودات در تقلائی بقا و حفظ وجود حیات سالم خود می‌باشند و امنیت عامل این نیاز اساسی و حیاتی است. لذا امنیت مهمترین آرمان انسان و موجود زنده تلقی می‌شود. امنیت بسته به متغیرها و عوامل مؤثر بر بقا، حیات سالم، دلنشین و بی‌دغدغه انسان دارای ابعاد مختلف است.

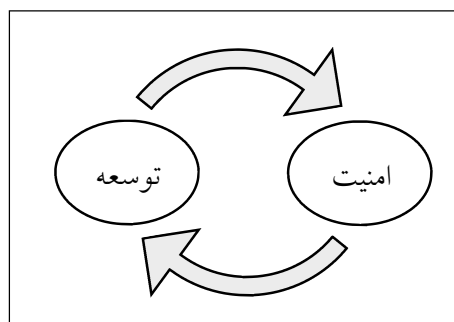
به‌عبارتی حفظ وجود حیات سالم و آرامش‌بخش انسان موکل به تأمین همه نیازهای مادی و معنوی انسان است که در صورت عدم تأمین یا وجود نقص و تنگنا در تأمین آن، حیات سالم و وجود انسان به چالش کشیده می‌شود و با تهدید روبه‌رو می‌گردد و بلافاصله نیاز به امنیت و مفهوم آن در ارتباط با نیاز یا نیازهایی که با تنگنا روبه‌رو شده در ذهن انسان شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵). مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. وجود اطمینان نسبت به سلامت جان و مال و ناموس را امنیت می‌گویند. امنیت امری استنباطی است که واقعیت یافتن آن در محیط، مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای است این حکم فردی در مورد ملتها و کشورها نیز جاری است و به آسانی می‌توان آن را در ابعادی منطقه‌ای و جهانی مطرح کرد. امنیت برای یک کشور عبارتست از داشتن یا به‌دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت «موجودیت» و «مایملک»، نسبت به «اعتبار و موقعیت» و نسبت به همه آنچه زیر چتر «منافع ملی» قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

با توجه به تعاریف فوق و سایر تعاریف، امنیت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مصونیت ارزشهای نادر انسان و جوامع انسانی از مخاطرات طبیعی و انسانی. فارغ از عینی یا ذهنی - روانی دانستن آن، در حقیقت زیرساخت و زیربنای تمام پیشرفتهای انسانی ایجاد امنیت بوده

است. بنابراین جستجوی امنیت از مهمترین کششها و انگیزه انسانی بوده است و این کشش با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد.

۳-۴- توسعه ملی و امنیت ملی

توسعه ملی فرآیندی همه‌جانبه است که در ابعاد گوناگون توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اکولوژیکی و ارتباطات متقابل آنها را در برمی‌گیرد، به گونه‌ای که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر با ابعاد دیگر قرار دارند و کنش و واکنش و تأثیر و تأثر متقابل یکدیگر را کامل و یک پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می‌آورند. توسعه ملی و امنیت دارای ارتباطات متقابل می‌باشند، از یک سو توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و از سوی دیگر فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد (شکل شماره ۱). وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه نامتوازن بخشهای جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی و وحدت ملی شده و منجر به بروز تحرکات واگرایانه بویژه در مناطق قومی شود (احمدی پور و دیگران ۱۳۸۶: ۲۷).

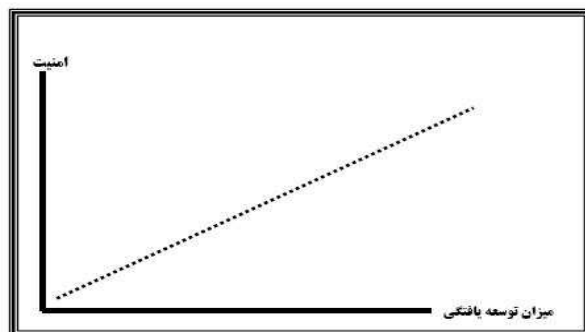


شکل شماره ۱: روابط متقابل امنیت و توسعه

منبع: احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۷

۳-۵- توسعه و امنیت در مناطق مرزی

تجربیات کشورهای درحال توسعه در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه مبادلات مرزی در قالب‌های مقررات و قوانین حقوقی می‌تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات کالا به صورت رسمی و جهت‌دهی تجارت به سمت مزیت‌های نسبی، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه بین مناطق آزاد، توسعه بازارچه‌های مرزی بین منطقه‌ای، ایجاد سودهای تجاری، کاهش قیمت کالاها، همگرایی میان عرضه و تقاضا و ایجاد درآمد، اشتغال و امنیت برای مرزنشینان گردد (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۰۸ و ۱۰۷). به سخن دیگر توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق می‌تواند موجبات کاهش برخی از مشکلات مرزی از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر، سرقت و... را فراهم کرده و از تخلیه جمعیتی مناطق مرزی جلوگیری نماید (محمدپور، ۱۳۸۱: ۴). وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با امنیت منافع ملی کشورها در تضاد است در شکل‌گیری اقدامات توسعه‌ای از جمله بازارچه‌های مرزی مؤثر بوده است. براساس تحقیقات انجام شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشد. به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته‌تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶).



شکل شماره ۲: رابطه مستقیم و دو سویه امنیت و توسعه در مناطق مرزی

بنابراین، توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی و حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد. از سوی دیگر افزایش فعالیت‌های اقتصادی سالم و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دوسوی مرز، نیز می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مرز تأثیر مثبت داشته باشد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- بازارچه‌های مرزی

بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا قرار دارند و اهالی دو طرف می‌تواند کالا و محصولات مورد نیاز خود را با رعایت مقررات صادرات و واردات در این بازارچه‌ها عرضه نماید (گمرک جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸: ۲) کمترین اثر وجود بازارچه مرزی، بالا بردن درصد ماندگاری مرزنشینان در مناطق مرزی و افزایش ضریب امنیتی برای کشورها می‌باشد. ضمن آنکه از نظر اقتصادی نیز مؤثر بوده و موجب ایجاد اشتغال و افزایش و بهبود محصولات تولیدی در مناطق مرزی خواهد شد. بازارچه‌های مرزی بخشی از بازرگانی خارجی کشور می‌باشد که برای مبادلات مرزی مردم منطقه مرزنشین در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن قوانین و

مقررات مربوط به صادرات و واردات کشور، برای فعالیت تجاری این گروه تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

۴-۲- اهداف وزارت کشور از ایجاد بازارچه‌های مرزی

از جمله اهداف بازارچه‌های مرزی، امکان برقراری ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی، بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد محلی، ایجاد و گسترش مشاغل مولد می‌باشد و همچنین تثبیت جمعیت در جدار مرزهای بین‌المللی به منظور کاهش اثرات امنیتی منفی ناشی از تخلیه جمعیت نواحی مرزی از سکنه دائمی. عملی شدن این شاخص‌ها ضمن جلوگیری از مهاجرت ساکنان مناطق مرزی و افزایش رفاه مرزها و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای همسایه، جلوی رشد قاچاق را هم می‌گیرد (آیین نامه بازارچه‌های مرزی، ۱۳۷۱). اهداف اصلی بازارچه‌های مرزی عبارتند از:

الف: مسئله امنیت: بازارچه‌های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته‌اند مسئله امنیت مرزها را تا حدودی برآورده نمایند و این مسئله روی شرایط اقتصادی محل تأثیر به‌سزایی داشته است.

ب: مسئله اجتماعی: افراد ساکن در مناطق مرزی به دلایل گوناگون تمایل به رفت و آمد با افراد ساکن در آن سوی مرز را دارند و بازارچه‌ها توانسته‌اند این مهم را به راحتی پوشش دهند.

ج: مسئله سیاسی: استانهای مرزی همیشه خواستار روابط سیاسی براساس منافع مشترک با کشور همسایه بوده‌اند و بازارچه مرزی با انجام مذاکرات و ملاقاتهای متعدد این مسئله را تأمین نموده است.

د: ایجاد اشتغال: ایجاد بازارچه‌های مرزی به راحتی توانسته باعث اشتغال مستقیم و غیرمستقیم مرزنشینان شود. و این خود باعث سرمایه‌گذاری مولد شده است.

ه: مسئله مهاجرت: بازارچه با به وجود آوردن شغل و ایجاد درآمد برای مرزنشینان مسئله مهاجرت به شهرهای بزرگ را نیز تا حدودی از بین برده است.

۴-۳- انواع بازارچه‌های مرزی فعال در ایران

بازارچه‌های مرزی فعال در کشور بر دو نوع است: نوع اول بازارچه‌هایی است که براساس

مجوز وزارت بازرگانی تشکیل شده‌اند، مانند بازارچه‌های کردستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و... که عموماً در مناطق محروم مرزی به منظور محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال و درآمد برای اهالی تأسیس می‌گردند. در مجموع ۲۴ بازارچه از این نوع در کشور وجود دارد و فعال می‌باشد. نوع دوم بازارچه‌هایی هستند که مجوز ایجاد آنها براساس مصالح ملی و تشخیص شورای امنیت ملی صادر می‌شود. این گونه بازارچه‌ها غالباً با نظر شورای مذکور در مکان و زمان معین ایجاد و منحل می‌شوند (مانند بازارچه‌های مرزی در افغانستان) و تعداد آنها نامشخص است (مجموعه گزارشهای اقتصادی، ۱۳۷۸: ۱۰ و ۱۱).

۴-۴- منافع و آثار فعالیتهای بازارچه‌های مرزی

منافع ایجاد شده توسط بازارچه‌های مرزی را می‌توان از چند زاویه مورد توجه قرار داد که شامل: ۱- منافع اولیه ۲- منافع توسعه‌ای می‌باشد.

۴-۴-۱- منافع اولیه

که شامل منافع مستقیم، منافع غیرمستقیم، منافع ملموس و منافع ملی می‌باشد.

۴-۴-۱-۱- منافع مستقیم

منافعی مستقیمی که بازارچه ایجاد می‌کند، به صورت افزایش رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است که به صورت افزایش عرضه کالا و خدمات و سود ناشی از آن خود را نمایان می‌سازد.

۴-۴-۱-۲- منافع غیر مستقیم

شامل عوارض و مالیاتی است که دولت‌ها از ایجاد بازارچه‌ها به دست می‌آورند. افزایش سود شرکت‌های فعال در امر صادرات و واردات، رشد منافع در اثر ایجاد واردات مواد اولیه و همچنین اشتغال ایجاد شده توسط بازارچه از منافع غیرمستقیم به‌شمار می‌رود.

۴-۱-۴-۳- منافع ناملموس

شامل منافع است که محاسبه ریالی آن، مشکل و تا حدودی غیرممکن است. در مورد بازارچه‌های مرزی می‌توان، ناملموس را به صورت نگرانی مردم نسبت به تأمین کالای ضروری عنوان نمود.

۴-۱-۴-۴- منافع ملموس

این منافع شامل منفعی است که اهداف دولتها را برآورده می‌سازند. به عبارت دیگر، در اثر ایجاد بازارچه‌های مرزی یکسری منفعی برای دولتها ایجاد می‌شود؛ از قبیل بهینه‌تر شدن توزیع درآمد، افزایش سطح اشتغال، افزایش سطح مصرف و ... که البته منافع ملی را نیز می‌توان در زمره منافع غیرمستقیم به‌شمار آورد (پیشرو، ۱۳۷۹: ۶)

۴-۲-۴-۴- اثرات توسعه‌ای

اثرات توسعه‌ای شامل اثرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تأثیر بر بازارهای غیررسمی می‌باشد.

۴-۲-۴-۱- اثرات اقتصادی^۱

راه‌اندازی بازارچه‌های مشترک مرزی بویژه در غرب و شرق کشور که سالهای متمادی به‌واسطه مشکلات منطقه‌ای اعتبار امنیت تجاری خود را از دست داده بودند مانند مشعلی مجدداً این مناطق را روشن نمود و موجب گردید تا تجار غیر بومی به‌واسطه حضور و بهره‌مندی تسهیلات بازارچه‌ای از مناطق مذکور دیدن کنند و از قابلیت‌های اقتصادی و توانمندیهای کشاورزی، صنعتی و معدنی استانهای مرزی و همچنین مرزهای کشور همسایه اطلاع حاصل نمایند.

اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی تا قبل از مجاز شدن واردات اقلام قابل ورود

۱- ارزیابی مبادلات مرزی در اقتصاد کشور، وزارت بازرگانی، معاونت بازرگانی خارجی، ۱۳۸۰، صص ۲۷-۳۱.

بازارچه‌های مرزی از سایر مبادی گمرکی، روبه رشد بود و لیکن با تغییر این قانون موجب گردید، این رویه تغییر یابد و نهایتاً تأثیرات منفی این اقدام در مناطق در حال حاضر محسوس است و این قانون باعث کاهش تردد وسایل حمل و نقل در جاده‌های مرزی، کاهش فعالیت‌های واحدهای خدماتی بین‌راهی، کاهش کارگران فعال در بازارچه جهت جابجایی کالا، عدم حضور نمایندگان سازمانهای مسئول صادرات و واردات در بازارچه به دلیل عدم ورود کالا از آن مبادی گردیده است.

۴-۲-۲-۴- اثرات اجتماعی

بازارچه‌های مشترک مرزی، در مناطق غرب و شرق کشور که همواره طی ادوار گذشته نسبت به آن مناطق توجه خاصی مبذول نشده است و همچنین با نظر امنیتی به آن نگریسته شده است تأثیر روحی بر حذف این دیدگاه بر مردم منطقه داشته است گرچه هنوز هم محدودیت‌هایی اعمال می‌گردد.

از اثرات اجتماعی قابل ذکر بازارچه‌ها، حضور افراد غیر بومی در این مناطق بویژه در غرب و شرق کشور می‌باشند که این امر موجب آشنایی و ارتباط نزدیکتر جامعه تجاری کشور با یکدیگر و همچنین آشنایی بیشتر با آداب و رسوم و فرهنگ منطقه و کاهش فاصله‌های ایجاد شده به واسطه مشکلات منطقه‌ای شده است.

اثرات اجتماعی بازارچه‌های مرزی بر ایجاد ارتباط بین دو طرف مرز هم دارای نکات قابل توجهی است، اثرات ناشی از حضور اهالی آسیای مرکزی در بعضی مناطق منفی بوده و موجب به ارمغان آوردن فرهنگی مبتذل بوده است تا آنجایی که غیرفعال بودن برخی بازارچه‌های مرزی جدا از مسائل سیاسی آن به دلیل عدم تمایل اقوام ایرانی به حضور و ارتباط با آن سوی مرز بوده است. در بعضی مناطق مرزی مثل غرب و شرق کشور موضوع کاملاً متفاوت بوده و تمایل به این ارتباط بسیار زیاد بوده است.

۴-۲-۳-۴- اثرات سیاسی

براساس اطلاعات موجود، همواره بازارچه‌های مرزی در مباحث و اجلاسهای مشترک

کشورهای همجوار مطرح و مورد تبادل نظر قرار می‌گیرد. موضوع بازارچه‌ها از محورهایی بوده است که همواره مسئولین امنیتی و اقتصادی استانهای مرزی را به هم نزدیک کرده است و موجب برگزاری جلسات متناوبی بین آنها شده است. ولیکن سیاستهای حاکم بر کشورهای همسایه و نفوذ سایر دول و منافع آنها، از موانع این نزدیکی بوده و هست و بعضاً منجر به تعطیلی و بلا استفاده بودن بازارچه‌ها گردیده است.

اثرات سیاسی این بازارچه‌ها بویژه در شرق و غرب کشور که از ثبات سیاسی برخوردار نبوده و این ثبات عموماً، معین یا متغیر بوده است محسوس و قابل توجه است و تمایل به ارتباطات و مبادلات در برخی از این مناطق تابع ثبات سیاسی و نظر استانداران آن‌سوی مرز است. در مرزهای شرقی کشور بویژه افغانستان به واسطه سیاستهای متعادل جمهوری اسلامی ایران همواره تمایل آنها به این ارتباط بسیار زیاد بوده است.

۴-۵- تاثیر بازارچه مرزی بر بازارهای غیر رسمی

معمولاً بازارهای غیررسمی به صورت طبیعی و در شرایط غیرعادی اقتصادی زاده عواملی از جمله کاهش قدرت خرید متقاضیان، بالا بودن قیمت وارداتی کالا، عدم کنترل و انسداد مرزها، وضعیت بد مردم مرزنشین و بیکاری می‌باشد و در شرایط عادی حاصل عمل سودجویان و طمع بیشتر آنها می‌باشد البته در حالت دوم میزان قاچاق کالا محدود و در سطح معینی می‌باشد. یکی از اهداف تاسیس بازارچه‌های مرزی جلوگیری از رواج بازارهای غیر رسمی از جمله قاچاق کالا و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی می‌باشد ولیکن واقعیت نشان می‌دهد ورود کالای غیرقانونی از طریق معبرهای مختلف مرزی همچنان ادامه دارد. در برهه‌هایی از روند توسعه تجاری کشور که بسیاری از اقلام قابل ورود نبودند، بازارچه‌ها به واسطه گستردگی اقلام وارداتی، علی‌رغم همه مشکلاتشان معبرهای خوبی برای واردات کالا بودند و حتی به گفته پاره‌ایی از فعالین در بازارچه‌ها، همواره ورود کالاهای قانونی و بدون ریسک‌پذیری ارجحیت دارد، ولیکن به دلیل افزایش تعرفه‌ها و کاهش توان خرید مردم و افزایش تقاضای خرید کالای مرغوب و ارزان‌تر، کم‌کم واردات کالا از بازارچه‌ها، بویژه کالاهای مصرفی و خانگی، جای خود را به معبرهایی دادند، که مجاری ورودی آنها به واسطه نزدیکی با مسیرهای عبور کالاهای

بازارچه‌ای این‌طور استنباط می‌کردند که مناطق مرزی و بازارچه‌های مرزی یکی از مکانهای ورود قاچاق کالا بوده و لذا در گزارشات برخی دستگاههای، از بازارچه‌ها به‌عنوان معبر قاچاق کالا یاد می‌شود.

۵- منطقه مورد مطالعه

استان خراسان جنوبی که در سال ۱۳۸۲ با مصوبه دولت ایجاد شد، یکی از استانهای جدیدالتأسیس کشور بوده و به‌دلیل تأخیر ۴۰ ساله در تقسیم استان خراسان بزرگ و عدم سرمایه‌گذاری لازم طی سالهای گذشته جزء استانهای محروم و کمتر توسعه‌یافته می‌باشد. این استان دارای امکانات بالقوه و استعداد مطلوبی در زمینه‌های مختلف اقتصادی بالاخص صنعت و معدن است و در بحث سرمایه‌گذاری به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و محرومیت‌های خاص اقلیمی، دوری از مراکز تصمیم‌گیری وضعیت مناسبی ندارد (سایت استانداری خراسان جنوبی).

۵-۱- بازارچه‌های مرزی خراسان جنوبی

در حال حاضر در استان خراسان جنوبی ۴ بازارچه مرزی مشغول فعالیت هستند که عبارتند از یزدان، میل ۷۳، میل ۷۵ و دوکوهانه.

۵-۱-۱- بازارچه مرزی یزدان

این بازارچه در ۱۷۰ کیلومتری شهر قائن واقع شده است و نزدیک‌ترین شهر کشور افغانستان به آن «شیندند» می‌باشد که در ۱۲۰ کیلومتری این بازارچه قرار دارد. این بازارچه از امکانات بسیار خوبی شامل انبارهای صادرات و واردات، ساختمان اداری و باسکول و ... برخوردار می‌باشد. طبق آخرین آمار در این بازارچه تعداد ۲۴۸ نفر به‌صورت مستقیم مشغول به‌کار می‌باشند. عملکرد صادراتی این بازارچه همه ساله سیر صعودی داشته و همیشه به‌عنوان یکی از بازارچه‌های مهم سطح کشور مطرح بوده است. بر طبق آمار منتشره از سوی روابط عمومی گمرک جمهوری اسلامی ایران بازارچه تمرچین پیرانشهر با اختصاص ۳۳ میلیون دلار در پنج

ماهه نخست سال جاری رتبه اول بازارچه‌های مرزی را به‌خود اختصاص داده و بازارچه یزدان با ۱۴ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار رتبه دوم و بازارچه میل ۷۳ با ۱۲ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار رتبه سوم را در بین بازارچه‌های مرزی از نظر میزان صادرات و واردات در سطح کشور به‌خود اختصاص داده است.

۵-۱-۲- بازارچه مرزی میل ۷۳

این بازارچه در ۱۸۰ کیلومتری شهر بیرجند و ۲۰۰ کیلومتری شهر فراه افغانستان واقع شده است. طی سالهای گذشته جهت توسعه صادرات طرحهای زیربنایی مهمی در این بازارچه اعم از ساخت انبار، غرفه‌های تجاری، باسکول و ... اجرا شده است. طبق آخرین آمار موجود، از محل فعالیت این بازارچه ۲۹۹ نفر به‌صورت مستقیم به‌کار اشتغال داشته‌اند. لازم به ذکر است براساس گزارش روابط عمومی گمرک ایران در پنج ماهه نخست سال جاری بازارچه میل ۷۳ رتبه سوم از نظر میزان صادرات و واردات در بین بازارچه‌های کشور را به‌خود اختصاص داده است.

۵-۱-۳- بازارچه میل ۷۵

این بازارچه در ۲۲۰ کیلومتری شهر بیرجند و ۱۵۰ کیلومتری شهر فراه افغانستان واقع شده است. این بازارچه عملاً از اوایل سال ۱۳۸۲ با تأمین امکانات لازم شروع به‌کار نمود و طبق آخرین آمار موجود در حال حاضر ۵۲ نفر به‌صورت مستقیم در این محل مشغول به‌کار می‌باشند. این بازارچه در بین بازارچه‌های استان خراسان جنوبی کمترین میزان مبادلات خارجی را به‌خود اختصاص داده است.

۵-۱-۴- بازارچه مرزی دوکوهانه

این بازارچه در ۱۰۵ کیلومتری شهر نهبندان و ۱۳۰ کیلومتری شهر فراه افغانستان واقع شده است. طبق آخرین آمار در حال حاضر ۴۷ نفر به‌صورت مستقیم در این بازارچه مشغول به‌کار می‌باشند. لازم به ذکر است براساس گزارش روابط عمومی گمرک ایران در پنج ماهه نخست

سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، بیشترین رشد ارزش صادرات کالا از بازارچه‌های مرزی، در رتبه اول مربوط به بازارچه «رازی» خوی با ۲۹۸/۶۸ درصد و در رتبه دوم، بازارچه مرزی «دوکوهانه» با ۱۱۶/۴ درصد و رتبه سوم «پیشین» ایرانشهر با ۹۸/۴ درصد می‌باشد. لازم به ذکر است طبق آخرین گزارشهای روابط عمومی اداره بازارچه‌های مرزی در بین بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی بازارچه یزدان و میل ۷۳ دارای فعالیت بیشتری نسبت به سایر بازارچه‌ها می‌باشند (نظری، بی تا: ۷-۱۱).

جدول شماره ۱: وضعیت کلی‌های بازارچه مرزی استان خراسان جنوبی

رتبه کشوری	تعداد غرفه‌ها	میزان واردات	میزان صادرات به دلار	نام بازارچه	ردیف
۳	۲۵	۴۵۳۳۴۳ دلار	۱۴۹۲۰۳۶۴ دلار	یزدان	۱
۱۰	۸	-----	۶۹۹۹۷۱۶ دلار	میل ۷۳	۲
۹	۱۲	-----	۱۶۰۴۹۹۰۹ دلار	میل ۷۵	۳
۷	۴	۱۱۴۲۰۰ دلار	۴۳۸۹۳۵۶ دلار	دوکوهانه	۴

منبع: یافته‌های تحقیق

۶- یافته‌های میدانی

۶-۱- نقش بازارچه‌ها در افزایش امنیت منطقه

از آنجایی که یافته‌های این بخش مبتنی بر مطالعات میدانی است، اقدام به طراحی پرسشنامه‌ای در راستای ارزیابی فرض اصلی تحقیق شد که در بر گیرنده شاخص‌ها و زیر شاخص‌های متناسب با امنیت و توسعه مناطق مرزی در دو سطح اطلاعات فردی و سطح روستاهای پیرامون بوده و به شرح جدول شماره ۲ می‌باشد.

جدول شماره ۲: ابعاد، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های امنیت در دو سطح اطلاعات فردی و

وضعیت روستاهای پیرامون

ابعاد	شاخص‌ها	زیر شاخص‌ها
امنیتی	امنیت اجتماعی و اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> • امنیت (اقتصادی، شغلی، عمومی، مرزها) و کاهش جرایم؛ • ارتباطات، تعاملات، اعتماد، پیوندهای خانوادگی؛ • همگنی قومی و فرهنگی؛ • مشارکت در انتخابات؛ • حجاب، وضعیت ظاهری افراد، فیلم و موسیقی آن‌سوی مرز؛ • قاچاق کالا؛ • تعلق مکانی؛ • امنیت مرزها و امنیت عمومی؛

۷- تجزیه و تحلیل

الف: یافته‌های میدانی (توصیفی)

استان خراسان جنوبی با توجه به هم‌مرز بودن با کشور افغانستان دارای ۴ بازارچه مرزی فعال می‌باشد و این بازارچه‌ها عملاً با توجه به معیارهای مختلف رتبه‌های نخست کشوری را دارا می‌باشند. با توجه به آمار و ارقام موجود هم در بحث مولفه‌های اقتصادی نظیر حجم صادرات و واردات و اشتغال و هم در بحث مولفه‌های غیراقتصادی نظیر امنیت مسائل سیاسی و اجتماعی بازارچه‌های استان خراسان جنوبی نقش به‌سزایی در منطقه ایفا نموده‌اند.

تاسیس بازارچه‌ها بر اساس تحقیق انجام شده تاثیر زیادی روی کاهش مهاجرت در منطقه و به تبع آن افزایش پایداری جمعیت در مناطق مورد نظر و افزایش امنیت مناطق یاد شده داشته است.

براساس گزارشات منتشره از سوی نیروی انتظامی تاسیس بازارچه‌ها تأثیر شگرفی بر

افزایش امنیت منطقه داشته است. قاچاق کالا بنا به گفته خود شاغلین کاهش یافته. مشارکتهای مالی در بازارچه قابل توجه بوده است ساخت و ساز عمرانی و ساخت انبار در این مناطق توسط خود مردم صورت پذیرفته است.

۱- ویژگیهای اجتماعی امنیتی

باتوجه به جدول شماره ۳ ملاحظه می‌گردد که میزان امنیت مالی شامل امنیت مغازه، خودرو و وجوه نقد بعد از تأسیس بازارچه به میزان چشم‌گیری افزایش یافته است. به‌طوری که ۳۸ درصد پاسخ دهندگان امنیت مغازه‌ها را زیاد، ۴۰ درصد امنیت خودرو را متوسط و مطلوب و ۴۲ درصد امنیت وجوه نقد (پول) را متوسط و مطلوب ارزیابی نموده‌اند. همچنین میزان ترس از سرمایه‌گذاری در بازارچه تا حدود زیادی (۵۸ درصد متوسط) کاهش یافته است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی نظر سرپرستان خانوار از میزان امنیت (مال و اموال، سرمایه‌گذاری)

نسبت به دوره قبل از ایجاد بازارچه

میزان امنیت (مال و اموال مردم) نسبت به قبل از ایجاد بازارچه مرزی		خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		جمع
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مغازه	۵	۱۰	۱۹	۳۸	۲۰	۴۰	۶	۱۲	۰	۰	۵۰	۱۰۰
خودرو	۰	۰	۵	۱۰	۲۱	۴۲	۱۹	۳۸	۵	۱۰	۵۰	۱۰۰
وجوه نقد (پول)	۵	۱۰	۱۶	۳۲	۲۴	۴۸	۵	۱۰	۰	۰	۵۰	۱۰۰
سرمایه‌گذاری بدون ترس و به‌راحتی در بازارچه	۲	۴	۶	۱۶	۲۹	۵۸	۱۰	۲۰	۱	۲	۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد که احساس امنیت مالی، جانی و احساس امنیت شغلی نسبت به دوره قبل از تأسیس بازارچه در حد قابل قبولی افزایش داشته است همچنین احداث بازارچه در کاهش ناآرامی‌های منطقه و کاهش جرایم داخل روستاهای و منطقه نیز

مؤثر بوده و ترس از کلاهبرداری در معاملات نیز با کاهش روبه‌رو بوده است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی نظر پاسخ دهندگان در باره متغیرهای امنیتی بعد از تأسیس بازارچه

جمع		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میزان رواج هر یک از مسائل زیر در بازارچه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۵۰	۲	۱	۸	۴	۲۲	۱۱	۶۲	۳۱	۶	۳	احساس امنیت مالی و جانی
۱۰۰	۵۰	۰	۰	۸	۴	۱۲	۶	۷۶	۳۸	۴	۲	احساس امنیت شغلی
۱۰۰	۵۰	۰	۰	۸	۴	۲۶	۱۳	۶۲	۳۱	۴	۲	کاهش ناآرامی‌های
۱۰۰	۵۰	۲	۱	۱۶	۸	۱۶	۸	۶۴	۳۲	۲	۱	کاهش جرایم در داخل روستا، شهر و منطقه

منبع: یافته‌های تحقیق

با دقت در جدول شماره ۵ می‌توان دریافت که با ایجاد بازارچه وضعیت ارتباطی و همگنی قومی و فرهنگی بین ساکنین دوسوی مرز نسبت به گذشته افزایش داشته و همچنین مشارکت در انتخابات (ملی و محلی) در سطح قابل قبولی بوده است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان در مورد تأثیر بازارچه در هریک از متغیرهای اجتماعی-فرهنگی

جمع		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میزان تأثیر بازارچه در هر یک از مسائل زیر
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۵۰	۶	۳	۴۰	۲۰	۲۶	۱۳	۲۸	۱۴	۰	۰	میزان همگنی قومی و فرهنگی با آنسوی مرز
۱۰۰	۵۰	۰	۰	۱۰	۵	۱۲	۶	۶۶	۳۳	۱۲	۶	درصد مشارکت انتخابات (ملی و محلی)

منبع: یافته‌های تحقیق

ارتباط مردم با ساکنین آنسوی مرز از قدیم وجود داشته ولی در شرایط خاص و عموماً تحت تأثیر تصمیمات سیاسی این ارتباطات بسیار محدود شده بود بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۶ در این سوال از پاسخ‌دهندگان در مورد چگونگی ارتباط آنان با ساکنین آنسوی مرز پرسیده شده که ۶۰ درصد معتقد بودند که این ارتباط قبل از ایجاد بازارچه وجود

داشته است، ۸ درصد عنوان نمودند که با ایجاد بازارچه این ارتباط به وجود آمده است. و ۲۰ درصد معتقد بودند که ارتباط با آن سوی مرز با ایجاد بازارچه چند برابر شده است و فقط ۱۰ درصد عنوان نمودند که رابطه‌ای با آن سوی مرز ندارند.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان در مورد ارتباط با آن سوی مرز

سایر	رابطه‌ای ندارم		با ایجاد بازارچه چند برابر شد		با ایجاد بازارچه به وجود آمد		قبل از ایجاد بازارچه هم وجود داشت			
	فراوانی درصد	درصد	فراوانی درصد	درصد	فراوانی درصد	درصد	فراوانی درصد	درصد		
۲	۱	۱۰	۵	۲۰	۱۰	۸	۴	۶۰	۳۰	ارتباطات با آن سوی مرز

منبع: یافته‌های تحقیق

در این سؤال (جدول شماره ۷) از پاسخ‌دهندگان خواسته شد مهمترین رابطه تجاری با آن سوی مرز کدام یک از موارد زیر را تقویت می‌کند که اکثر پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که بازارچه باعث تقویت و افزایش منافع پولی و مالی گردیده است.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان در مورد نوع ارتباط با آن سوی مرز

پیوندهای قومی	تبادل فرهنگی		فرار از ادغام با		منافع پولی و مالی		
	فراوانی درصد	درصد	فراوانی درصد	درصد	فراوانی درصد	درصد	
۴	۸	۲	۴	۰	۴۴	۸۸	رابطه تجاری با آن سوی مرز

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که میزان رغبت و علاقه به تحصیل در بین ساکنین تاحدودی کم شده، میزان رغبت زنان و دختران به حفظ حجاب تغییر چندانی نداشته، رغبت اهالی به تماشای فیلم‌های خارجی و موسیقی آن سوی مرز افزایش یافته، بازارچه در جلوگیری از جریان قاچاق و کاهش آن تاحدی مؤثر بوده، میزان موفقیت پاسگاه‌های مرزی در خصوص امنیت مرزها و امنیت عمومی افزایش چشم‌گیری داشته، همچنین بازارچه در کاهش مهاجرت و

افزایش تمایل به ماندن در منطقه و نیز افزایش رفت و آمد تجار غیربومی مؤثر بوده است. جدول شماره ۸: توزیع فراوانی نظر پاسخ‌دهندگان در مورد متغیرهای فرهنگی، امنیتی و نیز مهاجرتی بعد از

ایجاد بازارچه

تأثیر ایجاد بازارچه در هر یک از مسائل زیر		خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		جمع	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۰	۰	۵	۱۰	۱۰	۲۰	۳۵	۷۰	۰	۰	۵۰	۱۰۰	میزان رغبت و علاقه فرزندانان به ادامه تحصیل	
۰	۰	۴	۸	۳۹	۷۸	۷	۱۴	۰	۰	۵۰	۱۰۰	در وضع ظاهری ساکنین محلی مخصوصاً نوجوانان و جوانان (نوع لباس، مدل مو و...)	
۴	۸	۳۲	۶۴	۱۱	۲۲	۳	۶	۰	۰	۵۰	۱۰۰	میزان رغبت زنان و دختران نسبت به حفظ حجاب	
۱	۲	۳	۶	۳۹	۷۸	۷	۱۴	۰	۰	۵۰	۱۰۰	رغبت شما برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی از طریق شبکه‌های خارجی	
۴	۸	۲۰	۴۰	۲۴	۴۸	۲	۴	۰	۰	۵۰	۱۰۰	رغبت شما برای گوش دادن به موسیقی آن‌سوی مرز	
۰	۰	۳	۶	۸	۱۶	۳۷	۷۴	۲	۴	۵۰	۱۰۰	امکان دسترسی به فیلمها و عکسهای میندل	
۰	۰	۲	۴	۴۰	۸۰	۶	۱۲	۲	۴	۵۰	۱۰۰	جلوگیری از قاچاق کالا	
۱	۲	۹	۱۸	۳۹	۷۸	۱	۲	۰	۰	۵۰	۱۰۰	افزایش تعرض گروههای ضد انقلاب و نیروهای خارجی	
۲	۴	۳۲	۶۴	۱۴	۲۸	۲	۴	۰	۰	۵۰	۱۰۰	میزان موفقیت پاسگاههای مرزی در خصوص امنیت مرزها	
۳	۶	۲۴	۴۸	۲۱	۴۲	۲	۴	۰	۰	۵۰	۱۰۰	میزان موفقیت پاسگاههای مرزی در خصوص امنیت عمومی	
۷	۱۴	۲۱	۴۲	۱۸	۳۶	۴	۸	۰	۰	۵۰	۱۰۰	رضایت از تاسیس بازارچه	

منبع: یافته‌های تحقیق

ب: یافته‌های تحلیلی

پس از ارائه یافته‌های توصیفی، در این قسمت یافته‌های تحلیلی تحقیق ارائه می‌گردد. که در اینجا از آزمون T تک نمونه‌ای برای ارزیابی فرضیه اصلی مقاله استفاده شده است.

جدول شماره ۹: ارزیابی فرضیه تحقیق با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای

اثبات یا رد فرضیه	95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig	T	شاخص	ابعاد	مفاهیم (امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی)
	Upper	Lower						
اثبات	۱.۰۵۳۸	.۵۱۲۹	.۷۸۳۳	.۰۰۰	۵.۷۳۵	درآمد	ابعاد امنیتی	
اثبات	۱.۲۱۹۴	.۲۸۰۶	.۷۵۰۰	.۰۰۲	۳.۱۶۴	امنیت (اقتصادی، شغلی، عمومی، مرزها، کاهش جرم)		
رد	.۱۸۸۳	-.۰۰۴۹	.۰۹۱۷	.۰۶۳	۱.۸۷۹	تحصیل		
اثبات	۱.۰۲۶۶	.۴۹۳۴	.۷۶۰۰	.۰۰۰	۵.۷۲۹	همگنی قومی و فرهنگی		
اثبات	۵.۰۰۹۶	۴.۳۹۰۴	۴.۷۰۰۰	.۰۰۰	۳۰.۰۵۶	ارتباطات و پیوندهای خانوادگی		
اثبات	.۳۱۸۵	.۰۶۴۸	.۱۹۱۷	.۰۰۳	۲.۹۹۲	مشارکت در انتخابات		
اثبات	.۷۲۸۴	.۲۲۱۶	.۴۷۵۰	.۰۰۰	۳.۷۱۱	حجاب، وضعیت ظاهری، رغبت به موسیقی و فیلم آنسوی مرز		
اثبات	-.۸۹۶۳	-۱.۱۶۵۷	-.۸۸۵۰	.۰۰۰	-۷.۳۴۸	انگیزه سرمایه‌گذاری		
رد	.۱۴۵۵	-.۰۴۳۹	.۰۹۴۳	.۱۵۲	۱.۸۶۰	تولیدات زراعی و دامی		
اثبات	۳.۳۵۴	۳.۵۳۶	۳.۸۷	.۰۰۰	۲۸.۷۶۸	اشتغال و بیکاری		
اثبات	-.۰۵۱۰	-.۲۶۵۷	-.۱۵۸۳	.۰۰۴	-۲.۹۲۰	قاچاق کالا		
اثبات	-۲۱.۷۸۶۷	-۲۳.۴۲۹۹	-۲۲.۶۰۸۳	.۰۰۰	-۵۴.۴۸۷	امنیتی		مجموع شاخص‌های محاسبه شده (compute)

جدول شماره ۹ به‌خوبی نشان می‌دهد که بازارچه‌ها با کارکردهای خود توانسته‌اند منجر به تغییرات مثبتی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و امنیتی در مناطق پیرامون خود گردند. به‌گونه‌ای که با بررسی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز این فرضیه تأیید می‌گردد. از لحاظ امنیت (اقتصادی، شغلی، عمومی، مرزها، کاهش جرم)، همگنی قومی و فرهنگی،

ارتباطات و پیوندهای خانوادگی و مشارکت در انتخابات، وضعیت حجاب و پوشش ظاهری ساکنین و نیز وضعیت بهداشتی نیز می‌توان گفت که بعد از احداث بازارچه این مؤلفه‌ها وضعیت قابل قبول و نیز در حال پیشرفتی دارند. جدول شماره ۹ نیز گویای این واقعیت است که این مؤلفه‌ها در سطح معنا داری ۰.۰۰۰ افزایش نشان داده‌اند. ولی از لحاظ رغبت و علاقه به تحصیل بعد از تأسیس بازارچه شاهد کاهش در این مؤلفه بوده‌ایم و در جدول نیز این مؤلفه را در سطح معناداری 0.063 نشان می‌دهد و چون این اعداد بزرگتر از $\alpha=0/05$ می‌باشند پس می‌توان نتیجه گرفت که بازارچه در این مؤلفه تأثیر نداشته یا تأثیر منفی برجای گذاشته است.

بازارچه‌ها باعث تغییرات مثبتی روی برخی از مولفه‌های امنیتی و توسعه‌ای مورد بررسی در مناطق اطراف بازارچه گردیده‌اند و در برخی دیگر از مولفه‌ها تأثیر چندانی نداشته و حتی روی آنها تأثیرات منفی برجای گذاشته است بدین ترتیب تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که در برخی گویه‌ها، سطح معناداری محاسبه شده کوچکتر از $\alpha=0/05$ بوده و این امر بیانگر آن است که بازارچه‌ها باعث تغییرات مثبت در این گویه‌ها گردیده‌اند و در برخی دیگر از گویه‌ها که سطح معناداری محاسبه شده بزرگتر از $\alpha=0/05$ بوده بیانگر این است که بازارچه‌ها در توسعه این مولفه‌ها نتوانسته‌اند اثربخشی لازم را داشته باشد. در مجموع می‌توان اظهار نمود که فرضیه H_0 را می‌توان به نفع H_1 رد کرد و عنوان نمود بازارچه روی ساختارهای امنیتی در نواحی پیرامونی خود اثرات مثبتی داشته است.

۸- نتیجه‌گیری

بازارچه‌های مرزی با هدف گسترش مبادلات خارجی و ایجاد امکانات شغلی جدید تشکیل شده‌اند. استان خراسان جنوبی با توجه به هم‌مرز بودن با کشور افغانستان دارای ۴ بازارچه مرزی فعال می‌باشد و این بازارچه‌ها با توجه به معیارهای مختلف رتبه‌های نخست کشوری را دارا می‌باشند. با توجه به آمار و ارقام موجود هم در بحث مولفه‌های اقتصادی نظیر حجم صادرات و واردات و اشتغال و هم در بحث مولفه‌های غیراقتصادی نظیر امنیت مسائل سیاسی و اجتماعی بازارچه‌های استان خراسان جنوبی نقش به‌سزایی در منطقه ایفا نموده‌اند که اثبات فرضیه اصلی تحقیق به واسطه تحلیل‌های آماری خود بیانگر این مطلب است. در صورتی که

بتوان برخی از نارسایی‌های اشاره شده را از بین برد، در آینده نزدیک این بازارچه‌ها در جهت توسعه منطقه و به تبع آن افزایش امنیت منطقه‌ای و ملی نقش مؤثرتری را بازی خواهند کرد.

۹- پیشنهادات

با مرور مطالب گذشته به نظر می‌رسد بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی می‌توانند نقش بیشتری را در توسعه محلی افزایش امنیت در مناطق مرزی داشته باشند و بنابراین راهکارهای به شرح زیر برای توسعه پایدار و امنیت در مناطق مورد نظر بیان می‌گردد:

۱- عمده صادرات از بازارچه‌های استان که در قسمت قبل به آنها اشاره شد کالاهای صادراتی، تولید این استان نمی‌باشد و عملاً بازارچه نقش دلال و واسطه بین تولیدکننده اصلی و خریدار نهایی را پیدا کرده و در این بین سود اصلی نصیب تولیدکننده این محصولات در سایر استانها و شهرستانها خواهد شد. لذا با پتانسیلهای موجود استان باید روی صنایع تبدیلی و سرمایه‌گذاری در تولیدات دیگر برنامه‌ریزی کرد تا هم ایجاد اشتغال در این زمینه کند و هم درآمد حاصل از فروش تولیدات داخل استانی، به توسعه خود استان کمک نماید.

۲- یکی از راههای گسترش تجارت خارجی وجود زیرساختهای لازم جهت انجام این امر است. کاملاً مشخص است که عدم وجود راههای مناسب صادرکننده را جهت انجام صادرات، منصرف خواهد نمود. مجوز تأسیس بازارچه میل ۷۵، در سال ۱۳۷۸ صادر شده و نبود راه مواصلاتی مناسب بازگشایی آن را تا سال ۸۲ به تعویق انداخته. همچنین ۵۰ کیلومتر جاده خاکی مسیر نهندان به بازارچه دو کوهانه عملکرد این بازارچه را در سالهای اولیه بسیار پایین آورده است. لذا سرمایه‌گذاری در این زمینه به رشد منطقه بسیار کمک می‌کند.

۳- کشور افغانستان بعد از جنگهای داخلی به دلیل تغییر الگوی مصرف داخلی و نبود تولیدات داخلی بازار بسیار خوبی برای تولیدکنندگان استان خراسان جنوبی می‌باشد. لازم است از طرف استان، بازاریابی‌های وسیعی در کشور افغانستان انجام گیرد و این مهم با برگزاری نمایشگاههای دائمی داخل کشور افغانستان و اعزام نیروهای متخصص بازاریاب به خوبی امکان‌پذیر خواهد بود.

۴- در سالهای اخیر حجم بزرگی از صادرات استان از تولیدات داخلی استان نظیر سیمان قائن

و محصولات شرکت به‌کف بیرجند تأمین شده است. برای گسترش این موضوع می‌توان تبلیغات گسترده‌ای را انجام داد و جوایز بزرگ صادراتی از جمله یارانه‌های صادراتی برای این‌گونه شرکتها در نظر گرفت و از طرفی به این‌گونه شرکتها در جهت بالا بردن کیفیت و میزان تولید کمک نمود.

۵- آشنایی غرفه‌داران فروشندگان و مباحثان از قوانین حاکم بر بازارچه، شرایط را جهت بالا بردن مبادلات خارجی فراهم می‌نماید. لذا برگزاری کلاسهای توجیهی این امر را تسهیل خواهد کرد.

۶- تجهیز بازارچه‌ها به امکانات اولیه سردخانه، باسکول، انبارهای مجهز مسقف شرایط را جهت صادرات بیشتر فراهم خواهد کرد. لذا می‌توان با مشارکت بخش خصوصی در این زمینه سرمایه‌گذاریهای وسیعی انجام داد.

۷- پیگیری در جهت دو طرفه کردن بازارچه‌ها: در این خصوص می‌توان از طرف بخش خصوصی یا بخش دولتی شرایطی فراهم شود که در کشور افغانستان نیز در نقاط صفر مرزی بازارچه‌های مرزی احداث گردد تا صادرات و واردات از مجرای این بازارچه‌ها راحت‌تر انجام گیرد.

۸- در حال حاضر مشکلاتی در توسعه مبادلات بازارچه‌های مرزی وجود دارد که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم پر واضح است که رفع این مشکلات یقیناً فعالیت بازارچه‌ها را بیش از پیش گسترش خواهد داد.

الف: تغییرات پی در پی قوانین و مقررات تجاری؛ ب: مشکلات موجود در صدور مجوز استاندارد؛ ج: قطعی نبودن مالیات دریافتی از غرفه‌داران در واردات کالا؛ د: ممنوعیت واردات و صادرات برخی از کالاها از جمله چای و برنج که خود باعث قاچاق این کالاها شده است (نظری، بی تا: ۱۳-۲۰).

منابع

۱. افشردی، محمد حسین (۱۳۸۱)؛ ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی ج.ا.ایران، تهران: دانشکده فرماندهی دافوس.
۲. آیین‌نامه بازارچه‌های مرزی (۱۳۷۱)؛ وزارت بازرگانی معاونت برنامه‌ریزی و بررسیهای اقتصادی.
۳. آیین‌نامه اجرایی بازارچه‌های مرزی، (۱۳۷۱)؛ اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور.
۴. اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور (۱۳۸۰)؛ مقررات صادرات و واردات، نشر بازرگانی.
۵. اپتر، دیوید و چارلز اندرین (۱۳۸۰)؛ اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، ترجمه محمدرضا سعیدآبادی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
۶. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)؛ جامعه‌شناسی توسعه، تهران، مؤسسه نشر علم.
۷. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶)؛ جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کیهان.
۸. احمدی‌پور، زهرا و دیگران (۱۳۸۶)؛ بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی- اداری کشور مطالعه موردی: استانهای ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸) فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول.
۹. استس، ریچارد (۱۳۷۹)؛ روند توسعه اجتماعی جهان ۱۹۷۰-۱۹۹۵م: چالش‌های توسعه برای قرن جدید، ترجمه علی حبیبی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۵۶-۵۷.
۱۰. اهداف و وظایف بازارچه‌های مرزی و نقش گمرک (۱۳۷۸)؛ گمرک جمهوری اسلامی، شماره ۳۵.
۱۱. پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدمیر ابراهیمی (۱۳۸۱)؛ نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت.
۱۲. پردازی‌مقدم، سعید، بیژن صفوی (۱۳۸۵)؛ روشهای تحلیل چندمتغیره و کاربرد آنها در سطح‌بندی استانهای کشور (با تأکید بر بخش بازرگانی)، بررسیهای بازرگانی، شماره ۱۸.
۱۳. پیشرو، حمدالله (۱۳۷۹)؛ بازارچه‌مرزی بوشهر- قطر و تأثیرات مبادلات مرزی در توسعه اقتصادی استان، دفتر برنامه‌ریزی و تحقیقات اداره کل بازرگانی استان بوشهر.
۱۴. تیلر.آید، دانیل و کارل‌ای، تیلر (۱۳۷۸)؛ توسعه انسانی پایدار متکی به جامعه، مترجم: ناصر بلیغ، ناشر: مؤسسه توسعه روستایی ایران، چاپ اول.
۱۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. حمدیان، علیرضا و دیگران (۱۳۸۶)؛ شوراها و روستایی در بوته خرده فرهنگ دهقانی راجرز نمونه: شهرستان سبزو، مجله جغرافیا و توسعه.
۱۷. رضایی، علی (۱۳۸۰)؛ چون و چرا بازارچه‌های. مرزی، ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی (اقتصاد ایران)-دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری‌های وزارت کشور سال چهارم، شماره ۳۶.
۱۸. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس.
۱۹. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)؛ دهیاری‌ها و مدیریت توسعه پایدار، نشریه دهیاری‌ها، سال اول، شماره ۲.
۲۰. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۶)؛ توسعه پایدار، تهران: سمت.

۲۱. عندلیب، علیرضا(۱۳۸۰)؛ نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۲. فیروزنیا، قدیر، عبدالرضا رکن الدین افتخاری(۱۳۸۲)؛ جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحبه‌نظران، موسسه توسعه روستایی ایران، چاپ اول.
۲۳. کلمن، دیوید و فرد نیکسون (۱۳۷۸)؛ اقتصادشناسی توسعه‌نیافتگی، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، وثقی.
۲۴. ماندل، رابرت(۱۳۷۷)؛ چهره متغیر امنیت ملی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
۲۵. مجتهدزاده، پیروز(۱۳۸۰)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت.
۲۶. محمدریور فیلشور، علی(۱۳۸۱)؛ بازگشایی مرزها و تأثیر آن بر مناطق مرزی؛ مورد: باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۷. محمودی، علی(۱۳۸۴)؛ ساختار مبادلات بازارچه‌های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرز نشین، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۲۸. مراتب، مریم(۱۳۸۴)؛ نگاهی به منطقه آزاد ارس، استانداری آذربایجان غربی.
۲۹. مهدیزاده، جواد و دیگران(۱۳۸۵)؛ برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری-تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران- تهران انتشارات: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۳۰. نظری، علی اکبر(بی تا)؛ نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه شهرستان قانات و استان خراسان جنوبی، اینترنت.
۳۱. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)؛ سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
32. Niebuhr, Annekatri ; Silvia Stiller (2004); Integration Effects in Border Regions -A Survey of Economic Theory and Empirical Studies” Hamburgisches Welt-Wirtschafts-Archive (HWWA)Hamburg Institute of International Economics.ISSN 1616-4814.
33. Bronman, john(1996); Popular Development, London: Blackwell Publisher.
34. www.khorasan-trades-barrier.com سایت سازمان بازرگانی خراسان جنوبی
35. www.moc.gov.it/ وزارت بازرگانی